

هنجاریابی پرسشنامه مزاج کودکی میانه (MCTQ) و بررسی رابطه آن با عوامل دموگرافیک در فرهنگ ایرانی

دکتر فریبا یزدخواستی*^۱، راضیه جواهری^۱، دکتر حمیدرضا عریضی^۱

گروه روانشناسی - دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۹/۳/۳۰ اصلاح نهایی: ۱۹/۶/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۹/۱۲/۵

چکیده:

زمینه و هدف: مزاج گرایش بنیادی و نسبتاً ذاتی افراد است که زیر بنا و تنظیم کننده رفتار آنان به شمار می رود. ارزیابی مزاج کودک یکی از موضوعات مهم روانشناسی است و پرسشنامه مزاج کودکی میانه در دو دهه اخیر مورد استفاده پژوهشگران قرار گرفته است. این مطالعه با هدف هنجاریابی پرسشنامه مزاج کودکی میانه و همچنین بررسی رابطه مزاج کودکان با عوامل سن، جنس، معدل کودک، تحصیلات و درآمد والدین در فرهنگ ایرانی انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه توصیفی-تحلیلی از نوع آزمون سازی ۱۰۰۰ دانش آموز ۸ تا ۱۲ ساله مدارس ابتدایی ۵ منطقه آموزش و پرورش اصفهان به صورت تصادفی انتخاب و مادران آنها پرسشنامه مزاج کودکی میانه را تکمیل نمودند. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از میدان یابی، پایایی، روایی، آمار توصیفی، تحلیل واریانس چند متغیره و همبستگی پیرسون استفاده شد.

یافته ها: نتایج هنجاریابی نشان داد که با حذف ۲ عامل از ۹ عامل این پرسشنامه، روایی و پایایی این پرسشنامه در ایران قابل قبول است. از طرف دیگر نتایج نشانگر تفاوت معنی دار ۷ عامل مزاج بر اساس متغیرهای سن، جنس، معدل کودک، تحصیلات و درآمد والدین آنها بود.

نتیجه گیری: نتایج نشانگر کارکرد مناسب کودکان شهر اصفهان در پرسشنامه مزاج کودکی میانه به عنوان معیاری برای تفسیر نمرات مزاج برای سایر کودکان این شهر می باشد. نتایج همچنین نشانگر آن است که ویژگی های مزاجی مختلف در فرهنگ های مختلف افراد را مستعد تاثیرات محیطی ویژه ای می نماید.

واژه های کلیدی: پرسشنامه مزاج کودکی میانه، مزاج، هنجاریابی.

مقدمه:

است. این پرسشنامه برای مزاج ۹ مولفه در نظر گرفته (۲) که این مولفه ها همان ویژگی های مزاجی می باشند. از طریق ویژگی های مزاج افراد است که می توان تفاوت های رفتاری، هیجانی و اجتماعی آنها را تبیین نمود (۳). ویژگی های مزاجی افراد است که آنها را مستعد تاثیرات محیطی می نماید. به عبارت دیگر مزاج هم از محیط تاثیر می پذیرد و هم بر محیط تاثیر می گذارد (۴). Chess و Thomas (۵) اصطلاح نیکویی برآزش (Goodness of fit) را به منظور نشان دادن میزان هماهنگی بین ویژگی های مزاج کودک با انتظارات

مزاج، گرایش بنیادی و نسبتاً ذاتی افراد است که زیر بنا و تنظیم کننده رفتار آنان به شمار می رود و اساس سرشتی دارد (۱). ارزیابی مزاج کودک یکی از موضوعات مهم در روان شناسی است که بسیاری از روان شناسان و پژوهشگران به تحقیق در مورد آن پرداخته اند. یکی از مشهورترین پرسشنامه هایی که در دو دهه ی اخیر بسیار کاربرد پیدا کرده و مورد استفاده پژوهشگران تمام دنیا قرار گرفته است، پرسشنامه مزاج کودکی میانه (MCTQ=Middle Childhood Temperament Questionnaire) می باشد که توسط Heqvik و همکاران طراحی شده

* نویسنده مسئول: اصفهان-دانشگاه اصفهان-گروه روان شناسی-تلفن: ۰۳۱۱-۷۴۳۴۱۹۹، E-mail: faribayazdkhasti@yahoo.com

دبستانی در انگلیس انجام پذیرفت نشان داد که این پرسشنامه از پایایی و اعتبار مناسبی در این کشور برخوردار است (۱۱). Allebrandt و Roenneberg از این پرسشنامه به منظور ارزیابی مزاج کودکان دبستانی در برزیل استفاده کردند و پایایی و اعتبار بالایی را در آن گزارش نمودند (۱۲).

با توجه به مطالب فوق اولین هدف این پژوهش هنجاریایی پرسشنامه مزاج کودکی میانه می باشد. هنجاریایی عبارت است از مشخص کردن کارکرد یک نمونه از جامعه در یک آزمون خاص به عنوان معیاری برای تفسیر سایر نمرات (۱۳).

در مرحله بعدی این تحقیق به بررسی ارتباط و عوامل سن، جنس، معدل کودک، تحصیلات و درآمد والدین در فرهنگ ایران با مزاج کودک پرداخته شد. به همین منظور سوالاتی علاوه بر سوالات اصلی پرسشنامه MCTQ در مورد سن، جنس، معدل کودک، تحصیلات و درآمد والدین در پرسشنامه درج شده است.

Sprinke نشان داد افراد با تحصیلات زیر دیپلم نسبت به افراد دیپلمه و دارای مدارج دانشگاهی در مشاغل با حداقل دستمزد اشتغال دارند و از فقر رنج می برند. این افراد از پایین ترین وضعیت اجتماعی - اقتصادی برخوردار می باشند (۱۴). کودکانی که در این خانواده ها رشد می یابند نیز از رشد اجتماعی مناسبی برخوردار نمی شوند و مشکلات رفتاری گوناگونی از قبیل پرخاشگری نشان می دهند (۱۵).

تحصیلات والدین و شغل آنها پیش بینی کننده پذیرش کودکان توسط والدین می باشد. یعنی هر چه تحصیلات بالاتر و شغل رضایت بخش تر، پذیرش کودکان توسط والدین بیشتر می باشد و پذیرش والدین با رفتارهای اجتماعی تر کودکان رابطه مثبت و با رفتارهای منفی آنها مانند پرخاشگری رابطه منفی دارد (۱۶).

منصور و دادستان (۱۷) در کتاب خود در ارتباط با رابطه مزاج و سن بر تاثیر سن در عامل فعالیت

محیطی بکار بردند. آنها همچنین نشان دادند که عدم تناسب بین ویژگی های مزاجی و انتظارات محیط پیش بینی کننده مشکلات رفتاری است. Wills و همکاران (۶) نشان دادند که ویژگی های مزاجی کم خطر کودکان مانند هیجانان مثبت و توجه زیاد ارتباط منفی و پر خطر والدین با آنها را تعدیل می کند و در مقابل ویژگی مزاجی پر خطر مانند سطح فعالیت بالا و هیجانان منفی تاثیر این شیوه ارتباطی والدین را روی رفتار کودکان تشدید می نماید.

Harizuka و Yazdekhasti (۷) در تحقیق خود که به منظور بررسی تاثیر ویژگی های مزاج و تعامل آن با رد و پذیرش مادر بر اضطراب و مشکلات رفتاری کودکان در کشور ژاپن انجام گرفت، نشان دادند که کودکان با ویژگی مزاجی سطح فعالیت بالا نسبت به کودکان با ویژگی مزاجی سطح فعالیت پایین مشکلات رفتاری - هیجانی بیشتری را نشان می دهند. از طرف دیگر کودکان با ویژگی مزاجی سطح فعالیت بالا و توجه پایین در تعامل با طرد شدن از طرف مادر نسبت به کودکان با همین ویژگی مزاجی در تعامل با پذیرش از طرف مادر، اضطراب و مشکلات در ارتباط اجتماعی بیشتری را نشان می دهند.

بعضی از ویژگی های مزاجی به تنهایی می تواند پیش بینی کننده مشکلات روانی و رفتاری کودکان باشد (۸). ویژگی مزاجی خجالتی بودن در کودکی پیش بینی کننده اختلال اضطراب در آینده این افراد می باشد (۹).

ویژگی های مزاجی چه به تنهایی و چه در ارتباط با محیط می تواند پیش بینی کننده رفتار در حال و آینده باشند. پرسشنامه مزاج کودکی میانه ارزیابی مزاج در فرهنگ های مختلف را امکان پذیر ساخته است. برای مثال Czeschlik این پرسشنامه را در نمونه ای به حجم ۳۰۷ دختر و پسر یازده ساله در کشور آلمان استفاده و پایایی و اعتبار بالایی را گزارش نمود (۱۰). نتایج تحقیق دیگری که توسط Bruggen به منظور ارزیابی مزاج کودکان

به عنوان یکی از عوامل مزاج اشاره می کنند. نتایج تحقیقات انجام شده در زمینه تداوم یا اختلاف ویژگی های مزاجی از کودکی تا بزرگسالی مبین آن است که این ویژگی در سنین مختلف تغییر نمی کند بلکه تداوم می یابند. لذا ویژگی های کودکی پیش بینی کننده خصوصیات شخصیتی فرد در بزرگسالی است (۱۸). همچنین کودکان با ویژگی مزاجی توانایی اجتماعی پایین، در بزرگسالی خشم بیشتری از خود بروز می دهند (۱۹).

نتایج تحقیقات مبین تفاوت ویژگی های مزاجی دختران و پسران در پیدایش رفتارهای آنها است. به طوری که پسران وقتی در تعامل با افسردگی مادر رفتارهای برونگرا را ظاهر می سازند که ویژگی خلقی تکانشی پایین داشته باشند ولی دختران وقتی در تعامل با این مادران رفتارهای برونگرا ظاهر می سازند که ویژگی خلقی تکانشی بالا و یا ترس و خجالت پایین داشته باشند (۱۸).

عمده ترین مسایل موثر در وضعیت تحصیلی دانش آموزان پایداری توجه، سطح فعالیت و کنترل رفتار و حواس پرتی آنهاست که به عنوان مولفه های مزاج نیز شناخته شده اند. دانش آموزانی که در این ۳ حوزه دچار مشکل می شوند، مسلماً نسبت به دانش آموزانی که این وضع را ندارند، افت تحصیلی خواهند داشت (۲۰).

همچنین ویژگی مزاجی تکانشگری بر عملکرد خواندن و ریاضیات کودکان در مدرسه تاثیر منفی دارد. از آنجایی که تحقیقی در ارتباط با مزاج کودکان بدلیل فقدان پرسشنامه ایی در ایران انجام نگرفته است به منظور بر طرف کردن نیاز جامعه علمی روانشناسی در زمینه ابزار لازم برای ارزیابی مزاج کودک این تحقیق انجام گرفت. مزاج چه به تنهایی و چه در ارتباط با محیط تاثیر بسزایی در پیدایش مشکلات رفتاری- هیجانی دارد، استفاده آن در کنار مصاحبه بالینی تشخیص علل مشکلات فوق را امکان پذیر می سازد. با توجه به مطالب

فوق و با توجه به ضرورت مطالعه در زمینه مزاج و عوامل محیطی مرتبط با آن، این مطالعه با هدف هنجاریابی: محاسبه پایایی، روایی، محاسبه رتبه های درصدی و نمرات استاندارد پرسشنامه مزاج کودکان و همچنین بررسی رابطه مزاج کودکان با عوامل سن، جنس، معدل کودک، تحصیلات و درآمد والدین در فرهنگ ایرانی انجام شده است.

روش بررسی:

در این پژوهش توصیفی- تحلیلی از نوع آزمون سازی (۲۱) با استفاده از روش خوشه ای چند مرحله ای از نوع تصادفی ۱۰۰۰ نفر از دانش آموزان ۸ تا ۱۲ ساله مدارس ابتدایی عادی دولتی نواحی پنجگانه شهر اصفهان مورد بررسی قرار گرفتند. تقسیم شهر به نواحی بر حسب تقسیم استانداری و آموزش و پرورش انجام گرفته است. با توجه به اینکه ناحیه جی اقماری شهر است این ناحیه در نظر گرفته نشده و بقیه نواحی انتخاب گردید. از هر ناحیه ۲۰۰ نفر بطور تصادفی انتخاب شدند که ۱۰۰ نفر آنها از یک دبستان دخترانه و ۱۰۰ نفر دیگر از یک دبستان پسرانه بودند. در هر دبستان، ۲۰ نفر از هر مقطع تحصیلی (اول تا پنجم) به طور تصادفی انتخاب گردیدند. پرسشنامه توسط والدین کودکان کامل گردید. اگر والدین دانش آموزان باسواد نبودند به صورت مصاحبه نسبت به تکمیل داده ها در مورد آنها اقدام گردید. ابزار اندازه گیری اطلاعات پرسشنامه مزاج کودکی میانه (MCTQ) بود (۲). این پرسشنامه شامل ۹۹ گویه می باشد که در تحقیق حاضر چند سوال مربوط به ویژگی های دموگرافیک به آن افزوده شد. ویژگی های دموگرافیک شامل: سن بین ۸ تا ۱۲ سال، جنسیت، معدل بین حداقل ۱۲ تا حداکثر ۲۰، درآمد والدین بین حداقل ۱۰۰ هزار تومان تا بالای ۱ میلیون تومان و تحصیلات والدین بین زیر دیپلم تا بالای دیپلم بود.

پرسشنامه مزاج کودکی میانه دارای ۹ عامل و ۹۹ گویه

می باشد. این ۹ عامل عبارتند از: فعالیت: میزان انرژی که به صورت حرکت نشان داده شود. قابلیت پیش بینی: رفتار و اعمالی که دارای ریتم و نظم خاصی بوده به طوری که قابل پیش بینی باشند. نزدیک شدن یا کناره گیری از محرک های جدید: واکنش فرد نسبت به محرک های جدید را نشان می دهد. سازش پذیری: میزان سازش فرد با تغییر را نشان می دهد. شدت بیان خلق: شدت پاسخگویی را نشان می دهد. کیفیت خلق غالب: اینکه فرد بیشتر اوقات شاد است یا ناراحت. ثبات فراخنای توجه: میزان زمانی که فرد به یک محرک توجه می کند. حواسپرتی: جلب توجه فرد به محرک های جدید تا چه حد آسان است. آستانه حسی: حساسیت فرد به محرک های حسی را نشان می دهد. آلفای کرونباخ هر عامل به ترتیب: فعالیت ۰/۸۶، قابلیت پیش بینی ۰/۷۴، نزدیک شدن یا کناره گیری از محرک های جدید ۰/۸۷، سازگاری ۰/۷۹، شدت بیان خلق ۰/۸۳، کیفیت خلق غالب ۰/۸۱، ثبات فراخنای توجه ۰/۸۵، حواسپرتی ۰/۷۴، و آستانه حسی ۰/۷۱ می باشد. برای هر عامل، طراح آزمون یک سوال در یک فرم مجزا در نظر گرفته که محتوای هر عامل در آن سوال مستتر است. مثلاً برای ضریب اعتبار عامل نزدیک شدن یا کناره گیری از محرک های جدید که دارای ۱۲ سوال است (مثلاً دو سوال آن عبارتند از: در خانه به میهمانان جدید نزدیک می شود و با آنها تماس برقرار می کند. از مهمان های جدید در خانه اجتناب می کند.) از این سوال استفاده شده است: آیا برای ارتباط و نزدیک شدن به اشخاص، مکان ها و حوادث تازه مردد است؟ درجه بندی گویه ها در هر ۲ فرم عبارتند از: ۱- بسیار، ۲- تاحدی، ۳- اصلاً.

در مرحله ی اول ابتدا مقیاس ها به زبان فارسی برگردانده شده و بعد ترجمه فارسی توسط یکی از اساتید گروه زبان انگلیسی به زبان انگلیسی ترجمه متقابل شد و با اصل پرسشنامه مطابقت داده شد. سپس برای بررسی

جهت تجزیه و تحلیل داده ها از میدان یابی، پایایی، روایی، آمار توصیفی، تحلیل واریانس چند متغیری و همبستگی پیرسون استفاده شد.

یافته ها:

نتایج بخش اول این تحقیق یعنی هنجاریابی پرسشنامه مزاج کودکی میانه از طریق محاسبه پایایی، آمار توصیفی و روایی به قرار زیر بود: از ۹ عامل این پرسشنامه ۲ عامل (سازگاری و کیفیت خلق غالب) به دلیل آلفای بالا با حذف سوال کنار گذاشته شدند و متعاقباً دو پرسش از نه پرسش فرم موازی که در ارتباط با دو عامل فوق طراحی شده بودند حذف گردیدند. آلفای سازگاری ۰/۲۳ بدست آمد که در پرسشنامه MCTQ اصلی این مقدار ۰/۷۹ بود. آلفای کیفیت خلق غالب ۰/۳۵ شد که در پرسشنامه اصلی این مقدار ۰/۸۱ بدست آمده است. آلفای کل پرسشنامه MCTQ در ایران ۰/۸۲ شد که در پرسشنامه اصلی نیز این مقدار ۰/۸۲ می باشد. آلفای کرونباخ عامل های پرسشنامه به ترتیب عامل سطح فعالیت ۰/۵۳، ریتم دار بودن ۰/۴۷، نزدیک شدن یا کناره گیری از محرک های جدید ۰/۶۵، نیرومندی ۰/۵۳، ثبات فراخنای توجه ۰/۴۵، حواسپرتی ۰/۷۳ و آستانه حسی ۰/۸۲ بود (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: هنجارهای مربوط به عامل های پرسشنامه مزاج به تفکیک دو جنس

متغیر	گروه		دختر		پسر	
	چارک اول	میانه	نمره خام	نمره T	نمره خام	نمره T
سطح فعالیت	چارک اول		۳۴	۴۳/۰۲	۳۵	۴۴/۴۲
	میانه		۳۸	۴۸/۶۳	۳۹	۵۰/۰۳
	چارک سوم		۴۳	۵۵/۶۵	۴۴	۵۷/۰۵
پیش بینی پذیری	چارک اول		۳۲	۴۳/۲۶	۳۲	۴۳/۲۶
	میانه		۳۶	۵۰/۲۲	۳۶	۵۰/۲۲
	چارک سوم		۴۰	۵۷/۱۷	۴۰	۵۷/۱۷
نزدیک شدن یا کناره جویی از محرک های جدید	چارک اول		۳۶	۴۴/۷۶	۳۶	۴۴/۷۶
	میانه		۳۹	۵۱/۰۱	۳۹	۵۰/۱۰
	چارک سوم		۴۳	۵۷/۲۴	۴۲	۵۵/۴۵
شدت بیان خلق	چارک اول		۳۳	۴۱/۵۹	۳۵	۴۴/۵۳
	میانه		۳۷	۴۷/۴۷	۳۹	۵۰/۴۱
	چارک سوم		۴۲	۵۴/۸۲	۴۴	۵۷/۷۵
ثبات (پشتکار) / فراخوانی توجه	چارک اول		۳۲	۴۴/۱۱	۳۲	۴۳/۷۰
	میانه		۳۶	۵۰/۷۱	۳۵	۴۹/۰۶
	چارک سوم		۴۰	۵۷/۳۰	۳۹	۵۵/۶۵
حواسپرتی	چارک اول		۲۶	۴۲/۳۵	۲۷	۴۴/۲۶
	میانه		۲۹	۴۸/۰۹	۳۰	۵۰/۰۱
	چارک سوم		۳۳	۵۵/۷۴	۳۴	۵۷/۶۶
آستانه حسی	چارک اول		۳۱	۴۱/۲۹	۳۳	۴۴/۱۰
	میانه		۴۵	۴۶/۹۰	۳۷	۴۹/۷۰
	چارک سوم		۴۰	۵۳/۹۱	۴۳	۵۸/۱۲

مزاج کودکی میانه با عوامل دموگرافیک از طریق تحلیل واریانس چند متغیره نشان داد که: عامل میزان فعالیت کودکان بر حسب سن، معدل کودک و درآمد والدین، عامل میزان پیش بینی پذیری کودکان بر حسب تحصیلات مادر و درآمد والدین، عامل میزان نزدیکی یا کناره گیری بر اساس متغیرهای سن کودک و درآمد و تحصیلات والدین، عامل میزان عامل شدت بیان خلق بر حسب سن، جنسیت کودک، میزان تحصیلات و درآمد

از بین ۷ عامل مزاج بر اساس جنسیت عامل شدت بیان خلقی منفی پسران به طور معنی داری بالاتر از دختران بود ($P < ۰/۰۵$) (جدول شماره ۲). بیشترین و کمترین ضریب اعتبار به ترتیب متعلق به عامل سطح فعالیت و عامل آستانه حسی بود و همبستگی همه عوامل با نمره کل آزمون (روایی سازه) در سطح معنادار بود ($P < ۰/۰۰۱$) (جدول شماره ۳).

نتایج بخش دوم این تحقیق یعنی بررسی عوامل

جدول شماره ۲: میانگین نمرات و میانگین T عامل های پرسشنامه مزاج کودک

عوامل مزاج	شاخص های آماری		جنسیت	میانگین نمرات*	پائین ترین	بالاترین	میانگین T
	میانگین	انحراف معیار					
سطح فعالیت	پسران	۳۹±۷/۳	۲۱	۵۷	۵۰/۱۸		
	دختران	۳۸/۵۶±۷/۱۶	۱۷	۷۰	۴۹/۷۸		
ریتم دار بودن	پسران	۳۵/۷±۵/۸۱	۱۹	۵۴	۴۹/۹۲		
	دختران	۳۵/۸۸±۵/۵۷	۲۲	۵۰	۵۰/۱۴		
نزدیک شدن یا کناره جویی از	پسران	۳۸/۷۲±۵/۴۸	۲۳	۵۵	۴۹/۷۷		
	دختران	۳۹/۰۵±۵/۵۲	۱۶	۵۲	۵۰/۲۴		
محرك های جدید	پسران	۳۹/۳۹±۷/۰۳	۲۱	۵۶	۵۱/۰۸		
	دختران	۳۷/۹۶±۶/۷	۲۲	۵۸	۴۸/۶۴		
شدت بیان خلق	پسران	۳۵/۳۱±۵/۷۵	۱۸	۵۲	۵۰/۰۱		
	دختران	۳۵/۳۸±۶/۵	۱۲	۶۰	۴۹/۹۹		
ثبات (پشتکار) / فراخنای توجه	پسران	۳۰/۵۹±۵/۰۹	۱۸	۴۵	۵۰/۸۲		
	دختران	۲۹/۸۹±۵/۳۱	۱۷	۴۴	۴۹/۰۴		
حواسپرتی	پسران	۲۸/۲۲±۷/۳۲	۱۴	۵۷	۵۱/۳۴		
	دختران	۳۵/±۷/۸۸۳۱	۲۲	۶۰	۴۸/۵۱		

* داده ها به صورت "انحراف معیار±میانگین" می باشد.

والدین، عامل میزان آستانه حسی بر حسب جنسیت کودک تفاوت معنی داری وجود داشت (جدول شماره ۴).

والدین، عامل میزان ثبات فراخنای توجه کودکان بر حسب تحصیلات والدین، عامل میزان حواسپرتی کودکان بر حسب سن، جنسیت، تحصیلات و در آمد

جدول شماره ۳: ضریب اعتبار عوامل پرسشنامه به تفکیک هر عامل از طریق همبستگی پرسون بین عوامل مزاج و سوالات فرم موازی

عوامل مزاج	سوالات فرم موازی						
	سوال ۱	سوال ۲	سوال ۳	سوال ۴	سوال ۵	سوال ۶	سوال ۷
سطح فعالیت	۰/۵۸	۰/۱۷	۰/۱۲	۰/۰۴	۰/۲۱	۰/۰۵	۰/۱۱
پیش بینی پذیری	۰/۱۵	۰/۴۹	۰/۱۸	۰/۰۳	۰/۱۲	۰/۱۴	۰/۰۶
نزدیکی یا کناره گیری از محرك جدید	۰/۲۱	۰/۱۲	۰/۵۲	۰/۱۳	۰/۰۵	۰/۱۸	۰/۱۲
شدت بیان خلق	۰/۰۵	۰/۲۲	۰/۱۹	۰/۴۱	۰/۱۳	۰/۰۷	۰/۱۳
ثبات فراخنای توجه	۰/۱۱	۰/۱۳	۰/۰۷	۰/۰۹	۰/۴۳	۰/۱۲	۰/۰۴
حواسپرتی	۰/۰۶	۰/۱۳	۰/۱۱	۰/۰۹	۰/۰۵	۰/۴۰	۰/۱۶
آستانه حسی	۰/۱۸	۰/۰۲	۰/۰۶	۰/۰۹	۰/۱۱	۰/۲۱	۰/۳۸

همبستگی همه عوامل با نمره کل آزمون (روایی سازه) معنی دار است ($P < ۰/۰۰۱$).

جدول شماره ۴: نتایج تحلیل واریانس یک طرفه عوامل مزاج در ارتباط با متغیرهای جمعیت شناختی

متغیرهای جمعیت شناختی	F	Pvalue	عوامل مزاج
سن کودک	۲/۴۰	۰/۰۳	سطح فعالیت
معدل کودک	۴/۴۴	<۰/۰۰۱	
درآمد والدین	۳/۰۵	۰/۰۲	
تحصیلات والدین	۷/۳۸	<۰/۰۰۱	پیش بینی پذیری
درآمد والدین	۶/۶۰	<۰/۰۰۱	
سن کودک	۴/۶۰	<۰/۰۰۱	نزدیکی یا کناره گیری از محرک جدید
تحصیلات والدین	۳/۰۸	۰/۰۴	
درآمد والدین	۸/۱۹	<۰/۰۰۱	
سن کودک	۱۰/۴۹	<۰/۰۰۱	شدت بیان خلق
جنس کودک	۱۱/۰۳	<۰/۰۰۱	
درآمد والدین	۱۱/۸۸	<۰/۰۰۱	
تحصیلات والدین	۱۲/۳۰	<۰/۰۰۱	
تحصیلات والدین	۳/۰۵	۰/۰۱	ثبات فراخنای توجه
سن کودک	۵/۰۸	۰/۰۲	حواس پرتی
جنس کودک	۶/۱۶	۰/۰۱	
تحصیلات والدین	۶/۸۸	<۰/۰۰۱	
درآمد والدین	۱۶/۴۲	<۰/۰۰۱	
جنس کودک	۱۹/۴۸	<۰/۰۰۱	

بحث:

معنی داری در میزان فعالیت کودکان بر حسب سن، معدل کودک و درآمد والدین وجود دارد. بر اساس سن، کودکان ۹ ساله از نظر میزان فعالیت بطور معنی داری بالاتر از کودکان ۱۰ و ۱۱ ساله اند. زیرا بین افزایش سن و رشد فیزیکی و میزان فعالیت رابطه عکس وجود داشت (۲۲). بر اساس معدل، کودکان با معدل بالای ۱۶ از نظر میزان فعالیت بطور معناداری کمتر از کودکان با معدل های دیگر می باشند زیرا با افزایش سطح فعالیت عملکرد آکادمیک کاهش می یابد (۲۰). بنابراین با معدل

نتایج بخش اول تحقیق در ارتباط با هنجاریابی پرسشنامه مزاج کودکی میانه نشان دهنده آن بود که با حذف ۲ عامل سازگاری و کیفیت خلق غالب از ۹ عامل این پرسشنامه، روایی و پایایی این پرسشنامه در ایران قابل قبول بوده است.

نتایج بخش دوم تحقیق نشان دهنده تفاوت معنی دار ۷ عامل مزاج بر اساس متغیرهای سن، جنس، معدل کودک، تحصیلات و درآمد والدین آنها بود. نتایج تحلیل واریانس چند متغیره نشان داد که تفاوت

کودکان با سطح پایینی از خودنظم دهی نسبت به کودکان با سطح بالای این ویژگی به محیط‌های پر استرس، که در اینجا، می‌تواند درآمد پایین خانواده باشد، حساس می‌باشند (۲۵). بنابراین در تعامل این دو است که کودک می‌تواند پیش‌بینی ناپذیر ارزیابی شود.

نتایج تحلیل واریانس چند متغیره نشان داد که تفاوت معنی‌داری در میزان نزدیکی یا کناره‌گیری بر اساس متغیرهای سن کودک و تحصیلات و درآمد والدین وجود دارد. بر اساس سن، کودکان ۷ ساله تعامل بالاتری از کودکان ۸ و ۱۰ و ۱۱ ساله دارند. ۷ سالگی مرحله سازماندهی فعالیت جمعی در کودک است. پس تعامل او با همسالان و محیط بیشتر است. ۱۰ و ۱۱ سالگی آغاز نوجوانی و در خود فرورفتگی است و تعامل کاهش می‌یابد (۱۷). بر اساس تحصیلات مادر، میزان تعامل کودکانی که مادرشان تحصیلات دیپلم دارند به طور معناداری کمتر از تعامل کودکان با مادران زیر دیپلم و بالای دیپلم است. مادران زیر دیپلم اکثراً خانه دارند و بیشتر با کودک خود تعامل دارند. فرصت اشتغال برای مادران دیپلمه زیاده‌تر از زیر دیپلم است و به این دلیل فرصت زیادی برای برقراری تعامل با کودک را ندارند. مادران بالای دیپلم هم فرصت‌های شغلی زیادی دارند اما به علت تحصیلات بیشتر، سطح مطلوب تر فرهنگ و آگاهی بیشتر از مسایل کودک، بیشتر با کودک تعامل دارند. بر اساس میزان درآمد، تعامل کودکان با درآمد خانوادگی ۴۰۰ تا ۷۰۰ هزار بطور معنی‌داری کمتر از کودکان با درآمد خانوادگی کمتر از ۳۰۰ و بالاتر از ۷۰۰ هزار است. در مقایسه با خانواده‌های کم درآمد و پر درآمد خانواده‌های با درآمد متوسط افرادی هستند که نه موقعیت اجتماعی به آنها اجازه می‌دهد که کودکان خود را به بیرون از خانه بفرستند و نه موقعیت مالی به آنها اجازه می‌دهد که در کنار کودکان خود از تفریحات کافی برخوردار شوند بنابراین فرزندان این خانواده‌ها از میزان تعامل کمتری برخوردار می‌گردند.

بالای ۱۶ وقت بیشتری را صرف مطالعه می‌کنند. ولی کودکان با معدل پایین تر اکثراً بازی و فعالیت را ترجیح می‌دهند. بر اساس میزان درآمد، فعالیت کودکان خانواده‌های کم درآمد و پر درآمد بطور معنی‌داری بالاتر از کودکان خانواده‌های با درآمد متوسط می‌باشند. کودکانی که درآمد خانوادگی شان اندک است، از امکانات تفریحی و آموزشی کافی برخوردار نبوده و بیشتر وقت خود را صرف بازی در بیرون از خانه می‌کنند. پس فرصت بیشتری برای فعالیت خواهند داشت. خانواده‌هایی که درآمد بالا دارند، امکانات لازم جهت بازی و فعالیت کودک را فراهم می‌آورند. ولی در خانواده‌های با درآمد متوسط که اکثراً والدین کارمند هستند اجازه بازی به کودک در خارج از منزل داده نمی‌شود و از طرفی درآمدشان برای ایجاد امکانات کافی نیست پس کودکان این خانواده‌ها از ۲ گروه قبلی فعالیت کمتری نشان می‌دهند.

نتایج تحلیل واریانس چند متغیره نشان داد که تفاوت معنی‌داری در میزان پیش‌بینی پذیری کودکان بر حسب تحصیلات مادر و درآمد والدین وجود دارد. بر اساس تحصیلات مادر، میزان پیش‌بینی پذیری کودکانی که مادران تحصیلات بالای دیپلم دارند به طور معناداری بالاتر از پیش‌بینی پذیری کودکانی که مادران شان دیپلمه هستند. این نتیجه می‌تواند به این دلیل تفسیر شود که مادران تحصیلکرده به فرزندان خود می‌آموزند که چگونه به موقعیت‌ها واکنش نشان دهند (۲۳). همچنین چون میزان اشتغال به کار این مادران بیشتر از سایر مادران است، کودکان خود را با مادرانشان وفق داده و رفتار منضبط تری نشان می‌دهند. بر اساس درآمد، میزان پیش‌بینی پذیری خانواده‌های کم درآمد به طور معنی‌داری کمتر از خانواده‌های پردرآمد است. چون خانواده‌های کم درآمد از بی‌نظمی قابل توجهی برخوردارند که این بی‌نظمی باعث رفتارهای غیر منضبط کودک در خانه و مدرسه می‌گردد (۲۴). از طرف دیگر

نتایج تحلیل واریانس چند متغیره نشان داد که تفاوت معنی داری در میزان عامل شدت بیان خلق بر حسب سن، جنسیت کودک، میزان تحصیلات و درآمد والدین وجود دارد. بر اساس جنسیت، شدت بیان خلق منفی پسران بطور معنی داری بالاتر از دختران بدست آمد. این نتیجه تاییدکننده تحقیق Fujita و همکاران می باشد (۲۶). آنها نشان دادند که شدت بیان خلق مثبت زنان بیشتر از مردان می باشد. بر اساس تحصیلات، شدت بیان خلق منفی کودکانی که پدرشان تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم دارند بطور معنی داری بالاتر از شدت بیان خلق کودکان با پدران بالای دیپلم است. این نتیجه می تواند ناشی از درآمد پایین تر از متوسط یا در حد متوسط این خانوادهها باشد. بر اساس درآمد، شدت بیان خلق منفی کودکان با درآمد خانوادگی ۱۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان و ۴۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان بالاتر از سایر کودکان است. تحقیق Herzberger و همکاران (۲۷) مبین آن است که میزان احساسات مثبت خانوادههای کم درآمد و درآمد متوسط، پایین و میزان احساسات منفی این خانوادهها بالاست و متعاقباً این خصوصیات به کودکان آنها انتقال یافته و قابل مشاهده است.

نتایج تحلیل واریانس چند متغیره نشان داد که تفاوت معنی داری در میزان عامل ثبات فراخنای توجه کودکان بر حسب تحصیلات والدین وجود دارد. بر اساس تحصیلات مادر، فراخنای توجه کودکان خانوادههای تحصیلکرده به طور معنی داری بالاتر از خانوادههای دیپلم و زیر دیپلم است. مادرانی که تحصیلات بالای دیپلم دارند، به پیشرفت کودکان خود به ویژه در زمینه تحصیلی حساس اند و کودکانشان را به توجه بر درس تشویق می کنند. کودکانی که مادران بیسواد دارند، به دلیل این که می دانند مادرشان قادر نیست به آنها در زمینه تحصیلی کمک کند، توجه زیادی بر درس دارند. اما مادران دیپلمه بیشتر اوقات به حل

مسائل و تکالیف درسی کودکان خود می پردازند. بنابراین مانع تقویت توجه آنها می شوند.

نتایج تحلیل واریانس چند متغیره نشان داد که تفاوت معنی داری در میزان حواس پرتی کودکان بر حسب سن، جنسیت، تحصیلات و درآمد والدین وجود دارد. بر حسب سن، حواس پرتی کودکان بزرگتر بطور معنی داری بیشتر از کوچکترها بود. هر چه سن افزایش یابد محرک هایی که در معرض توجه کودک قرار می گیرد بیشتر می شود و احتمال حواس پرتی کودکان نیز بیشتر می شود. بر حسب جنسیت، حواس پرتی کودکان پسر بطور معنی داری بیشتر از دختران بود. پسرها ریسک پذیرتر از دختران هستند و امکان بیشتری برای تجربه های جدیدتر خواهند داشت (۲۸). از طرفی هر چه تعداد محرک ها بیشتر شود توجه کاهش می یابد و کودک دچار حواس پرتی بیشتر می شود. بر اساس تحصیلات والدین، حواس پرتی کودکانی که مادرشان تحصیلات دیپلم دارند بطور معنی داری بالاتر از کودکان با مادران بالای دیپلم است. چون میزان اشتغال به کار مادران تحصیل کرده بیشتر از سایر مادران است. از کودکان انتظار می رود خود را با مدارانشان وفق دهند و توجه بیشتری به خود و محیط اطراف ابراز دارند. بر حسب درآمد، حواس پرتی کودکان خانوادههای کم درآمد بطور معناداری پایین تر از خانوادههای متوسط و پر درآمد است. زندگی در محله های شلوغ و بی نظم، حواس پرتی در پی دارد (۲۴).

نتایج تحلیل واریانس چند متغیره نشان داد که تفاوت معنی داری در میزان آستانه حسی بر حسب جنسیت کودک وجود دارد. جامعه از پسران انتظار دارد که کنترل بیشتری در زمینه رفتار و احساسات از خود نشان دهند (۲۹). پس شدت محرک باید خیلی بالا باشد

روان شناسان توصیه می گردد.

نتیجه گیری:

نتایج نشانگر کارکرد مناسب کودکان شهر اصفهان در پرسشنامه مزاج کودکی میانه به عنوان معیاری برای تفسیر نمرات مزاج برای سایر کودکان این شهر می باشد. نتایج همچنین نشان داد که از بین ویژگی های دموگرافیک، سن و جنس کودک، به عنوان عوامل بیولوژیک و درآمد و تحصیلات والدین، به عنوان عوامل محیطی بیشترین تاثیر را بر چهار عامل شدت بیان خلق، سطح فعالیت، حواسپرتی، نزدیکی و کناره گیری از محرک های جدید دارند. نتایج نشانگر آن است که ویژگی های مزاجی مختلف در فرهنگ های مختلف افراد را مستعد تاثیرات محیطی ویژه ای می نماید.

تشکر و قدردانی:

بدین وسیله از آموزش و پرورش کل اصفهان و کلیه مدیران، والدین و دانش آموزان محترم مناطق پنجگانه استان اصفهان که در انجام این تحقیق مساعدت لازم را فراهم نموده اند، صمیمانه سپاسگزاری می شود.

تا پسرها واکنش نشان دهند. اما دختران حساس تر بوده و با کوچکترین میزان محرک، واکنش نشان می دهند.

یافته های پژوهش فوق بر اساس داده های حاصل از نمونه دانش آموزان شهر اصفهان بوده و از این رو فقط قابل تعمیم به جامعه دانش آموزان این شهر است. با عنایت به کاربرد گسترده این ابزار در کشورهای مختلف که حاکی از سودمندی آن است توصیه می شود ویژگی ها و کیفیت اندازه گیری این پرسشنامه در سایر شهرها، گروه های قومی، زبانی و فرهنگی مورد بررسی قرار گیرد تا بتوانیم بر اساس یافته های حاصل از این مطالعات به یک ابزار استاندارد، معتبر و روا در زمینه سنجش مزاج کودکان و نوجوانان دست یابیم. از طرف دیگر از آنجایی که پرسشنامه مزاج کودکی میانه، کودکان را به هفت ویژگی مزاجی تقسیم بندی می کند، استفاده از این مقیاس در کنار مصاحبه بالینی تشخیص علت مشکلات رفتاری-هیجانی را بدون هرگونه سوگیری امکان پذیر می سازد. همچنین از این پرسشنامه می توان برای تشخیص نقاط قوت کودک جهت بالفعل درآوردن آنها به منظور کاهش یا حذف مشکلات رفتاری-هیجانی استفاده نمود. بنابر این استفاده از این مقیاس به پزشکان، و

منابع:

1. Nelson RB, Martin RP, Hodge S, Havill V, Kamphaus R. Modeling the prediction of elementary from preschool temperament. *Pers Individ Dif.* 1999; 26: 687-700.
2. Heqvik RL, McDevitt SC, Carey WB. The middle childhood temperament questionnaire. *J Dev Behav Pediatr.* 1982 Dec; 3(4): 197-200.
3. Bates JE. Application of temperament concepts. In Kohnstamm GA, Bates JE, Rothbart MK. *Temperament in childhood.* New York: Wiley; 1989. p: 321-55.
4. Wachs TD. *The nature of nature.* Newbury Park, Calif: SageCA; 1992.
5. Thomas A, Chess S. *Temperament and development.* New York: Brunner Mazel; 1977.
6. Wills TA, Sandy JM, Yaegar A. Temperament and adolescent substance use: an epigenetic approach to risk and protection. *J Pers.* 2000; 68(6): 1127-52.

7. Yazdkhasti F, Harizuka S. The effects of temperament and perceived maternal rejection and childhood anxiety and behaviour problems. *School Psych.* 2006; 27(1): 105-28.
8. Rothbart MK, Bates JE. Temperament. In: Damon W. *Handbook of child psychology.* 5th ed. New York: Wiley; 1998. p: 105-76.
9. Kagan J, Reznich JS, Gibbons J. Inhibited and uninhibited types of children. *Child Dev.* 1989; 60(4): 838-45.
10. Czeschlik T. The middle childhood temperament questionnaire: factor structure in a German sample. *Pers Individ Dif.* 1992; 13(2): 205-10.
11. Bruggen LKV. Romantic relationships in young women with a history of child maltreatment. Examining the role of mentoring relationships as a protective factor [dissertation]. MA: University of Victoria; 2003.
12. Allebrandt KV, Roenneberg T. The search for circadian clock components in humans: new perspectives for association studies. *Braz J Med Biol Res.* 2008; 41(8): 716-21.
13. Gall M, Borg W, Gall J. Qualitative and quantitative research methods in psychology and educational sciences. Translated to Persian by: Oreize HR, Nasr AR. Tehran: Samt; 2003.
14. Sprinke JF. Domestic violence, gun ownership and parental educational attainment. *Child Adolesc Social Work J.* 2007; 24(2): 133-51.
15. Bemark F, Keys S. Violent and aggressive youth: Intervention and prevention strategies for changing times. Thousand Oaks. CA: Corwin Press Inc; 2000.
16. Xinyin Ch, Rubin KH. Family condition, parental acceptance and social competence and aggression in Chinese children. *Social Dev.* 1994; 3(3): 269-90.
17. Mansour M, Dadsetan P. [Genetic psychology. 2nd ed. Tehran: Roshd Pub; 2004.] Persian
18. Leue LD, Kim HK, Pears KC. Childhood temperament and family environment as predictors of internalizing and externalizing trajectories from age 5 to 17. *J Abnorm Child Psychol.* 2005; 33(5): 505-20.
19. Pesonen A, Paikonen K, Keski-Vaara P, Ketikangas JL. Difficult temperament in childhood and adulthood: continuity from maternal perception to self-ratings over 17 years. *Pers Individ Dif.* 2003; 34(1): 13-19.
20. Martin RP, Olejnik S, Gaddis L. Modeling effects of temperament and scholastic Ability on academic achievement. In: Carey W, McDevitt S (eds). *Prevention and early intervention: individual differences as risk factors for the mental health of children.* New York: Brunner Mazel; 1994. p: 59-68.
21. Anastasi A. *Psychological testing.* New York: Macmillan Publishing Co; 1976.
22. Price B. *Human development.* Translated to Persian by: Foroughan M. Tehran: Arjmand Pub; 2008.
23. Koulouqlioti C, Cole R, Kitzman H. Inadequate sleep and unintentional injuries in young children. *Public Health Nurs.* 2008; 25(2): 106-14.
24. Garner PW, Spears FM. Emotion regulation in low-income preschoolers. *Social Dev.* 2000; 9(2): 243-64.
25. Carroll A, Houghton S, Taylor M, Hemingway F, List-Kerz M, Cordin R, et al. Responding to interpersonal and physically provoking situations in classroom. *Int J Disabil Dev Edu.* 2006; 53(2): 150-53.
26. Fujita F, Diener E, Sandvik E. Gender differences in negative affect and well-being. The case for emotional intensity. *J Pers Soc Psychol.* 1991; 61(3): 427-34.

27. Herzberger SD, Hall JA. Consequences of retaliatory aggression against siblings and peers. urban minority children's expectations. Child Dev. 1993; 64(6): 1773-85.
28. Giddens A. Sociology. Translated to Persian by: Sabouri M. Tehran: Ney Pub; 1994.
29. Giant HJ. Relations between parents and children. Translated to Persian by: Sartipi S. Tehean: Ettelat Pub; 2005.

Standardization of middle childhood temperament questionnaire and the study of the relationship between childhood temperament and demographic characteristics in Iranian culture

Yazdkhasti F (PhD)*¹, Javaheri R (MSc)¹, Oreizi HR (PhD)¹

¹Psychology Dept., Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran.

Received: 24/May/2010

Revised: 11/Sept/2010

Accepted: 5/March/2011

Background and aims: Temperament is an innate tendency in human which is the basic regulator for their behavior. This study was a med to slandardize the Middle Childhood Temperament Questionnaire (MLTQ) and to determine the relationship between childhood temperament and their age, gender, academic mean score and parental educational level and income in Iranian culture.

Methods: This was a descreptine analytical study in which 1000 elementary school students (8-12 years old) from 5 areas of the city of Isfahan were randomly selected. Reliability, validity, MANOVA and Pearson's correlation tests were used for data analysis.

Results: Findings showed that by eliminating two from nine factors of middle childhood temperament questionnaire, this questionnaire would be valuable for evaluating childhood temperament and had a satisfactory reliability and validity for 8 to 12 years old children. Finally the results delineated significant differencebetween the seven factors of temperament based on the children's age, gender, academic mean score and parental education level and income.

Conclusion: Result showed a good fanchion of Isfahanian children in the middle childhood temperament questionnaire, as a means of interpretation for temperament scores for other children in this city. Results also showed that different temperamental traits in different cultures make individuals talented to special demographic characteristics.

Keywords: Middle Childhood Temperament Questionnaire, Standardization, Temperament.

Cite this article as: Yazdkhasti F, Javaheri R, Oreizi HR. [Standardization of middle childhood temperament questionnaire and the study of the relationship between childhood temperament and demographic characteristics in Iranian culture. J Sharekord Univ Med Sci. 2011 Oct, Nov; 13(4): 81-93.]Persian

***Corresponding author:**

Psychology Dept., Isfahan University, Isfahan, Iran, Tel: 00983117934199,
E-mail:faribayazdkhasti@yahoo.com